به مناسبت روز پدر سراغ کتاب‌هایی رفته‌ایم که نقش پررنگ پدر را برایمان به تصویر کشیده است

مردها هم می‌توانند فرشته باشند

تحریریه قفسه کتاب

پدرها نقش تاثیرگذاری در خانواده دارند و فقدان آنها برای هر خانواده‌ای بسیار سخت است و آنها را با بحران‌های بسیاری روبه‌رو خواهد کرد. پدران در واقع ستون زندگی هستند و نقش حمایت‌کننده از همسر و فرزندان را ایفا می‌کنند. سیزدهم رجب مصادف با سالروز مولای متقیان حضرت علی(ع) است و این روز فرخنده و مبارک که برای شیعیان جهان بسیار ارزشمند و مهم است در ایران هم به‌عنوان روز پدر و روز مرد نامگذاری شده‌است. تحریریه قفسه کتاب هم کمر همت بسته و این شماره را به پدران ایران زمین هدیه کرده‌اند.

بوی شیرین نهج‌البلاغه

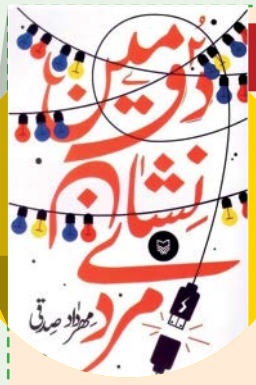
طاهره راهی: نمی‌دانم چرا، ولی وقتی زینب گفت برای میلاد امام علی(ع) چه کتابی پیشنهاد می‌دهید من بدون هیچ فکری نوشتم: «برای خاطر ابوتراب» کتابی که بخشی از نوشته‌هایش را دوستی برایم می‌فرستاد و البته همو بود که چاپ متن‌ها به صورت کتاب را به من اطلاع داد. مجموعه‌ای از نوشته‌های منصوره مصطفی‌زاده از نویسندگان همشهری‌جوان که در سال ۱۳۹۸ در ۱۱۲صفحه با نثری ساده و خواندنی چاپ شده بود.

کتاب که از عنوانش پیداست برای امیرمؤمنان نوشته شده، واژه‌هایی است که لابه‌لای سطرهای نهج‌البلاغه چرخ خورده و عاشقی‌هایی را برایمان نشان داده، کلماتی که ذهن را درگیر کرده و نمی‌توان از آنها ساده عبور کرد: «یک نفر پرسید: یا امیرالمؤمنین! تو پروردگارت را دیده‌ای؟ یعنی آن مرد مسلمان نمی‌دانست خدا دیدنی نیست؟ اما شک کرده بود؟ می‌شد شک کرد... ابوتراب گفته بود: مگر می‌شود چیزی را بپرستم که نمی‌بینم؟» نویسنده همین مطلب به ظاهر ساده را از خطبه ۱۷۸ نهج‌البلاغه حضرت برداشت کرده و آن را برایمان تصویر کرده است، برای ما «پنج ساله‌های تاریخ که تصورمان از او، خدای خالی است.» مصطفی‌زاده اما میانه‌های کتاب از عشقی لطیف سخن می‌گوید که متفاوت از عشق به خدا و به پیامبر است؛ او عشق علی به بانویش را چیزی ورای عشق‌های حافظ و مولوی یا عشق‌های اساطیری می‌داند، جایی که ابوتراب و بانویش نزدیک‌ترند از همه به آن: «ا... اکبر. سکوت دخترم نشانه رضایت اوست. اینجاست که آدم دلش می‌خواهد بداند در سر ابوتراب چه می‌گذشته. میان دلش و شرم چطور داوری کرده که در نهایت دلش او را به پیش رانده. وقتی با پیامبر در این باره حرف می‌زده، صدایش هم می‌لرزیده؟ ابوتراب خطبه‌های آتشین را تصور کن که صدایش می‌لرزیده! آن دست‌های خیبرشکن را تصور کن که قرار نداشته! چه عاشقی عجیبی.»



معنای ابوتراب را می‌دانستم اما این‌که چه کسی برای اولین‌بار او را به این نام صدا زده، نه! تا آن‌که خواندم: «شیرین‌ترین صدای تاریخ او را به این نام صدا زده بود.» و بعد از آن بود که این کنیه بر او مانده بود، کنیه‌ای که حضرت آن را جور عجیبی دوست داشت. کتاب «برای خاطر ابوتراب» برداشت‌هایی آزاد از نهج‌البلاغه است که می‌توان با آن کمی رنگ و بوی شیرین نهج‌البلاغه و زندگی حضرت امیر را حس کرد. کتابی که حتی عنوانش هم باعث شادی است؛ اویی که «پدر خاک است و مگر نه این‌که فرزندان آدم را از همان تراب برگرفتند و بسرشتند و به پیمانه زدند.»

پدر و پسری



مهدیه جاهد: «دومین نشان مردی» قصه تفاوت بین نسل‌هاست. تفاوت در ارتباط برقرار کردن، عاشق شدن و تشکیل زندگی اما در عین حال نتیجه یکسان. صدقی این تفاوت را در زندگی یک پدر و پسر به داستان آورده است. از نوع ازدواج نیمه سنتی پدر تا عاشقی مدرن پسر. قصه از زبان حامد، پسر داستان که دانشجوی دکتراست روایت می‌شود و در طول آن خاطراتی از زبان پدر، مادر یا سایر شخصیت‌ها در پی می‌آید. ظاهرا موضوع حول پایان نامه نویسی پدر و پسری است که هر دو در دانشگاه یکسان مشغول تحصیلند در دو مقطع متفاوت و چالش‌های دو نسل در روش تحصیل اما در واقع حامد در این میانه دنبال کشف است، کشف رازی در رفتار عجیب پدرش بعد از دیدن عکس خانوادگی روی دیوار. محیط داستان گاهی در دانشگاه و گاهی در خانه می‌گذرد. شخصیت‌ها، همین آدم‌های معمولی دور و بر خودمان هستند. همین آدم‌ها که اکثرمان تجربه برخورد با آنها را داشته و داریم. از پدر حامد گرفته که بازنشسته است و ناگهان هوس تحصیل تکمیلی کرده تا دوست صمیمی‌اش آقای عطاری و دیالوگ‌هایی که بین‌شان جاری است.

صدقی خودش را به‌عنوان نویسنده طنز معرفی کرده است. او در کتاب‌های دیگرش، به‌خصوص سری آبنبات‌ها توانسته این توانایی‌اش را ثابت کند؛ طنزی مودبانه، غیر زننده و برخاسته از متن زندگی. طنزی که احتمالا برای مخاطب تداعی‌کننده خاطره‌ای از زندگی خود یا اطرافیانش است و لبخند روی لبش معمولا از همذات‌پنداری عمیق آن اتفاق و شخصیت‌ها و داستان‌های صدقی است. در این ایامی که کتاب با چاشنی یا درونمایه طنز کم است و طنز اساسا از شکل فاخر آن به لودگی شبیه شده ، صدقی حرفی برای زدن دارد. به شرطی که اگر بتواند کمی از یکنواختی روند داستان‌هایش بکاهد شاید بتوان گفت جزو نویسنده‌های برجسته این حوزه قلمداد خواهد شد. رمان، خطی پیش می‌رود و خطی به پایان می‌رسد اما شخصیت‌ها درست سر جای خودشان قرار گرفته‌اند، واقعی جلوه می‌کنند و روان نویسی و یکدستی قلم نویسنده، راحت خوانی و دوری از جملات سخت و عناصر پیش‌برنده، برگ برنده صدقی در داستان است. از ویژگی‌های بزرگ داستان، رابطه جالب پدر و پسر داستان است. درست در اوج ناهماهنگی و تفاوت، در عین حال احترام و رفاقت بین آنها جاری است.

شما یک پدر هستید!



مصطفی جواهری: نام این پدیده را «عینک روی دماغ» گذاشته‌ام. حتما تا به حال دیده‌اید افراد عینکی دنبال عینک‌شان می‌گردند در حالی که عینک‌شان روی بینی‌شان است. گاهی اوقات در زندگی همه ما نیز اتفاقات این چنینی رخ می‌دهد که به اتفاقی بسیار بدیهی اصلا دقت نداریم، چرا؟ چون زیادی به چشمان‌مان چسبیده است. فکر می‌کنم پدر بودن هم یکی از همین قبیل اتفاقات است. (و باید این را هم اضافه کنم که در این مورد با مادربودن و معلم بودن کمی تفاوت دارد.) یک پدر، چرا پدر است؟ به واسطه فرزندش و به خاطر همین فرزندش است که پدر شده و به واسطه پدربودنش وظایفی دارد و مهم‌ترین وظیفه پدری‌اش چیست؟ فراهم‌کردن سرپناه؟ تهیه غذای خوب؟ تدارک یک مسافرت عالی؟ نه! مهم‌ترین وظیفه یک پدر، تربیت فرزندش است اما موضوعی که در این چند سال معلمی‌کردنم متوجه شده‌ام این است که تعداد زیادی از پدران، خود را از میدان تربیت (آگاهانه یا غیرآگاهانه) بیرون کشیده‌اند و تمام بار سنگین تربیت را روی دوش مادر خانواده گذاشته‌اند. اتفاقی که زمینه‌ساز مشکلات مهم و متعددی در فرزندان، به‌خصوص نوجوان‌هاست. برای پرونده پدر، خیلی علاقه‌مند بودم در همین زمینه کتابی معرفی کنم. که ای تمام پدران بزرگوار و دوست‌داشتنی سرزمینم... شما یک پدر هستید و نمی‌شود پدر باشید و نوجوان اتاق بغلی را نشناسید و چون می‌دانم وقت‌تان برای مطالعه کم است، کتابی معرفی می‌کنم که در کنار نوشیدن چای پس از بازگشت به منزل، می‌توانید بخوانید و تمامش کنید.

دکتر علی‌اصغر احمدی را به واسطه مشورت‌هایی که از ایشان درباره دانش‌آموزان مدرسه می‌گیرم بیشتر شناختم. یک روان‌شناس کار درست دلسوز. کتاب‌های متعددی در حوزه نوجوان و خانواده نوشته است اما کتاب «پدر، مادر، معلم؛ من نوجوانم»، دو ویژگی اساسی و متفاوت دارد. اول این‌که بسیار کم‌حجم و خلاصه است و اطمینان می‌دهم اگر شروعش کنید تا کمتر از یک ساعت بعد، تمامش خواهید کرد. دوم هم این‌که کتاب از زبان یک نوجوان نوشته شده است. گویی فرزندتان، شما را خطاب قرار می‌دهد و از تغییرات بدنی و روانی‌اش برای‌تان تعریف می‌کند و شما را آگاه می‌کند، البته حتما عنایت دارید که نمی‌شود با مطالعه یک کتاب ۶۰صفحه‌ای، نوجوان و نوجوانی را بشناسید و کاملا آگاه شوید اما برای آغاز پدری‌کردن، یک پیشنهاد درجه یک است. البته مطالعه منابع تربیتی، یک امر نیازمند استمرار و به‌روزرسانی است، چون شما یک پدر هستید.